

تجارت دیموکراسی !

هیچ شکی نیست که امریکا و اروپا (تا دم کنون) بزرگترین تمویل کننده بازار احتیاجات کشور های دیگر و از انجمله کشور های عقب افتاده و به اصطلاح جهان سوم میباشد. درین بازار، آنها و بخصوص امریکا از هر خورد و بزرگ مادی تا مسایل معنوی و فکری را ظاهرا با سخاوت و دست باز عرضه میدارند.

جزء این کالا های صادراتی، امتعه چون دیموکراسی، ازادی، حمایت و دفاع از حقوق بشر و ... و ... است که باجان و دل و اخلاص ! تمام میخواهند انرا برای این کشور های بی سر و سامان بفرستند بلکه انرا چون سیروم در رگ جانشان بیریزانند.

افغانستان و عراق هم دو کشوری اند که طالع و بختشان یاری کرد تا از این متاع کمیاب و سخاوتمندانه فرستنده گان بویژه امریکا مستفید شوند. امریکا و در رکابشان اروپا بر بالهای جنگنده های هولناک و تانک های غول پیکر شروع به پیاده کردن این متاع به این دو کشور کردند.

همانگونه که بازار کشور های جهان سوم مملو از اجناس تقلبی است، ایا این متاع وارد شده نمیتواند تقلبی باشد؟، گرچه مصدر ان کشور هایی اند که در دیموکراسی و مبارزه با مواد تقلبی سرآمد در کره زمین اند.

وقتی ما بشکل کمی دقیق و سریع به این صادرات دقت کنیم متوجه میشویم که آنچه را بجسم این دو کشور بنام سیروم نجات چسپانده اند چیزی جز از مواد تقلبی و زهری نیست. آنچه را که مردم ما در انتظار ان بیهوده عمر بسر میکنند هرگز بسراغشان نیامده، بلکه انسان را گهگاهی وامیدارد تا بگوید همان حالت نیمه جان قبلی بهتر بود از این تداوی مهلک و تباهنکن!

در افغانستان از این تحفه در طول تقریبا ده سال، قتل و دمار و یأس، میوه چیدیم. وضعیت عمومی روز بروز بد تر و خراب تر شده میرود. این بدبختی ها انگونه که دیده میشود تنها در نسل موجود بسنده نکرده بلکه ارمغان ان در اثر استفاده از مواد سامه و خطرناک برای نسلهای دور آینده نیز به ارمغان میرسد.

قوت های مخالف و جنگنده که در اوائل چندان مشهود و قابل دید نبودند، امروز در تمام نقاط کشور ریشه دوانیده اند. امنیت افراد حتی در بطن پایتخت هم برقرار نیست. خرده گروه های جنایی در پهلوی گروه های منظم جنگی مخالفین آنچه را بخواهند در داخل شهرها از دزدی، اختطاف و قتل انجام میدهند. که برای حمایه این باندهای جنایی پرده بنام حقوق بشر کشیده شده تا مانع تطبیق اشد مجازات برای این جانیان که خواب و راحت هموطنان را در شهرها به یغما برده اند، گردند، تا عبرتی باشد بدیگران.

اتهام تا اعتراف کمک تسلیحاتی بمخالفین مسلح در داخل کشور (البته زیر عنوان اشتباه در هدف) ، اتهام و شکوک در فراهم اوری تسهیلات نقل و انتقال مخالفین از محلی بمحلی، بهدر دادن اموالی که بنام کمک به افغانها داخل افغانستان میگردد، بیرون بردن دوباره اسعار توسط خارجیان و همکاران افغان شان (چنانچه آقای زاخیلوال در کنفرانسی به ان انگشت گذاشت)، دخالت سفرا و حتی نمایندگان عادی کشورهای دیگر در مسائل ملی و داخلی تا حدی که آقای کرزی خود را در کشور خود مهمان توصیف کرد، و یا آقای الکو لوی سارنوال مبنی بر دستور دهی های سفیر امریکا بیان داشت، قتل های جمعی روستانشینان که احيانا و خیلی اندک اعتراف به " *اشتباه* " و انهم بدون هیچ پی امدی به ان، صورت میگیرد، بیبکی سربازان و مزدوران جنگی شان که زیر ستر مامورین امنیتی وارد کشور شده اند در برابر شهروندان در داخل شهرها، تقویه نهادهایی مشکوکی زیر نامهای رنگ رنگ در برابر حکومت، نشاندهنده چیزی است که از اول خط با دیموکراسی و حقوق بشر در تعارض است. صرف نظر از اینکه قیمت و ارزش زندگی یک انسان افغان را هم به *هزار دلار!!!* نرخی گذاری کرده اند، ... مبارک باد !!
مسئله حکومت و سیستم انتخابات و احترام به اراء مردم که نقطه برجسته در بحث دیموکراسی است را هم میشود بر اعمال ذکر شده قیاس کرد. و آینده های نزدیک را جز سیاهی چیزی دیگری مبشر نیست.

اما در عراق از این تحفه شان مرگ های و حشتناک، در بدری، فقر، شعله ور شدن جنگهای مذهبی و قومی (که احتمالا در مورد افغانستان هم آماده برای تطبیق در هر لحظه میباشد)، اعدام های منظم و بی شمار توسط حکومتی

که خودشان انرا نصب کردند، و پشت پازدن به قانون اساسی در زیر چشمان و سایه دستان این صادر کنندگان دیموکراسی، استفاده کردن از قوت سلاح و باند‌هایی که در انسوی مرزها (انهم خصم) ریخته و بسته شده اند در بکرسی نشاندن اهداف رهبران و بزرگان این گر‌ها، هرگز نمیتواند با دیموکراسی اصلی جور آید. چنانچه همگرایی های در ظاهر دو دشمن در مسائل عراق و اچینا افغانستان حیرت انگیز است.

در انکشور چندماهی است که از انتخابات میگذرد، یکی از جناحهای داخل نظام که اکثریت را برنده شد تا حال نتوانسته که از حق دستوری اش بخاطر تشکیل حکومت استفاده نماید، و باز هم در این میان امریکا نه حرکتی میکند و نه اشکی برای پیاده شدن دیموکراسی میریزاند. دیموکراسی که زیر نام ان کشوری را به خاکدان برابر کردند، در ظرف کمتر از یکدهه (هفت سال) دیموکراسی وارداتی ، چند مراتب بیشتر از سه دهه دوره دیکتاتور! بعضی، سر آدم عادی انکشور را خورد.

این است ارمغان دیموکراسی که برای ما و دیگران، امریکا و حلقای دنباله روش وعده کرده بودند. حقوق بشری که دهل ان گوش هارا در نقاطی کر میکند اما در نقاطی و حالاتی دیگر توسط همین مدعیان زیر پا میشود. از فلسطین اصلا نمیخواهم بگویم چون صحبت در مورد فلسطین وکار کرد اسرائیل " مقدس!" در فرهنگ انان جرمی است نا بخشودنی!. ازتصدیر انواع اسلحه مخرب به طرفهای جنگی در نقاط مختلف هم نمیخواهم چیزی بگویم چون انجا قضیه تجارت ازاد مطرح است!. از حمایت حکومت دیکتاتوری در کل عالم ، و از جمله در منطقه و کشورهای عربی هم یادی نمیکنم ، چون مردم این کشورها سزاوار دیموکراسی نیستند!. از ازاد بودن و نجات سران القاعده که بنام شان دنیا لرزانده میشود هم چیزی نمیگویم چون انها شاید از تخنیک بلند تر و امکانات قویتری نسبت به این ابر قدرت های عصر برخوردارند!. و یا هم پروژه هایشان به اتمام نرسیده است...

وقتی بیادم میاید که جورج بوش(پدر) در صحبت تلویزیونی ، در اواسط دهه نود میلادی به طرف مقابل خود در ان صحبت میگوید : اکنون ما در بی یافتن دشمنی هستیم که جای کمپ سوسپالیزم و بلاک شرق را بگیرد...!. و یا بگفته های ان بانوی فرشته صفت!، کوندالیزا رایس که پیام " آشفنگی و اضطرابات متمر" را (البته که میوه چین خودشان اند) در منطقه داده بود فکر میکنم ، یقینم میشود که ما را از تحفه دیموکراسی و حقوق بشر ایشان، جز دریای خون، وطن خراب و آینده مجهول و سیاه چیزی بهره نیست . چون عاقلانه نیست انکه خودش چیزی را انجام نمیدهد دیگران را بتواند به ان وادار کند. برای درک بهتر میشود از این دفتر قطور برگه های کوچکی را بنام گوانتامو، ابو غریب و بگرام خواند...

این تجار ، گندم نماهای جو فروشی بیش نیستند. و برای تحقق اهداف شان چه بسا که از فامیل خودما یا از همسایه های ما اجیری را استخدام کنند، که کرده اند. شاید بتوان این مطلب را در صفحات بر ملاشده (قصدا و یا بدون آگاهی مسئولین) در سایت " ویکی لیکس" هم پیدا کرد.

چه آش هایی که برای ملت های دربند کشیده شده و بی اختیار رشته اند!؟!